



## درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۷ دی ۱۴۰۲

مصادف با: ۵ رجب ۱۴۴۵

جلسه: ۲۴

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - ویژگی‌های مال - تفاوت مال و مالیت و مؤید آن -

بررسی مال بودن پول - ۱. از زاویه تطبیق ویژگی‌های مال - ۲. از زاویه کارکردهای پول

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

بحث به فرق مال و مالیت رسید؛ ارتباط این بحث هم با موضوع اصلی درس این است که ما پول را از ابعاد مختلف تجزیه و تحلیل کنیم. یکی از ابعادی که درباره پول باید رسیدگی شود، این است که پول مال است یا سند مال؛ و اگر مال است، مالیت آن اعتباری است یا حقیقی؟ ما ویژگی‌های مال را ذکر کردیم؛ گفتیم برای اینکه یک چیزی مال باشد، حداقل دو ویژگی باید در آن موجود باشد: یکی اینکه عقلاً نسبت به آن رغبت داشته باشند و البته این متضمن بعضی خصوصیات دیگر هم هست؛ دیگر اینکه حاضر باشند به ازاء آن عوض بدهند. مال و ویژگی‌های آن مشخص شد؛ حالا به فرق بین مال و مالیت هم یک اشاره‌ای می‌کنیم و آن وقت سراغ بحث اصلی می‌رویم.

### تفاوت مال و مالیت

چند تفاوت بین مال و مالیت وجود دارد:

۱. مال اشاره به شیء دارد، اعم از اینکه این شیء عین باشد یا منفعت باشد یا حق یا دین و کلی فی الذمه؛ منظور از شیء فقط یک عین خارجی نیست. پس مال اشاره به شیء دارد که اعم از این مواردی است که عرض کردیم. اما مالیت اشاره به ارزش آن شیء دارد؛ از این ارزش تعبیر می‌شود به ارزش مبادله‌ای؛ یعنی آن ارزشی که به اعتبار آن، این شیء قابلیت مبادله پیدا می‌کند. پس اولین فرق بین مال و مالیت این است که مال اشاره به ذات یک شیء دارد اما مالیت اشاره به ارزش مبادله‌ای آن شیء است.

۲. تفاوت دیگر این است که مال یک حقیقت ثابت دارد؛ این حقیقت تغییر نمی‌پذیرد؛ مادامی که عنوان خانه بر آن صادق است، اما مالیت قابل زوال است. یک خانه را در نظر بگیرید؛ این خانه مآلاً ممکن است خراب شود یا ممکن است بعضی از اوصاف آن تغییر کند، اما این حقیقت موجود و ثابت است، تغییر نمی‌کند به این معنا که خودش رشد داشته باشد؛ اما مالیت می‌تواند زایل شود. برای اینکه این مطلب روشن شود، یک مثال می‌زنم؛ یک قالب یخ را اگر کسی حفظ کند در یک جای بسیار سرد و در زمستان آن را عرضه کند؛ (البته در زمستان‌های حالا گاهی یخ مطلوبیت دارید، اما فرض کنید در یک جایی که منطقه سردسیر است و برف هم هست) این قالب یخ ذاتش موجود است اما مالیت آن زایل شده است. پس حقیقت شیء تغییر نمی‌کند و ثابت است، اما مالیت و ارزش آن قابل زوال است.

۳. تفاوت سوم که البته مرتبط با تفاوت دوم است، این است که مالیت یک امر نسبی و اضافی است، و در یک شرایطی می‌تواند کم یا زیاد شود. عرض کردم می‌توانیم این را مرتبط با فرق دوم بدانیم؛ یعنی بگویم مالیت قابل زوال است، قابل ازدیاد و

کاهش است. این سه مورد را می‌توانیم با یک عنوان ذکر کنیم. اما مال قابل کم و زیاد شدن نیست؛ این شیء یک حدی دارد، حالا چه عین باشد و چه منفعت یا حق باشد، حدود آن معلوم است و خودش کم و زیاد نمی‌شود. ارزش آن کم و زیاد می‌شود و تغییر می‌کند؛ ممکن است ارزش مبادله‌ای افزایش یا کاهش پیدا کند. پس بین مال و مالیت این سه تفاوت وجود دارد.

#### **مؤید تفاوت**

فرق بین مال و مالیت مؤید هم دارد و آن اینکه:

تلف را به دو قسم کرده‌اند: تلف حقیقی و تلف حکمی. تلف حقیقی به این معناست که آن ذات از بین برود؛ وقتی می‌گوییم فلان چیز تلف شد، یعنی ذات آن از بین رفت. خانه که خراب می‌شود، تلف آن حقیقی است؛ منفعت که از بین برود، تلف آن حقیقی است؛ دین می‌تواند تلف شود و از بین برود. اما گاهی تلف حکمی است؛ در تلف حکمی ذات و شیء و مال از بین نمی‌رود اما مالیت آن ساقط می‌شود. مثال تلف حکمی یخ در زمستان است، که تلف حقیقی پیدا نمی‌کند اما تلف حکمی بر آن عارض می‌شود. ذات خود مال و این شیء موجود است اما تلف حکمی پیدا کرده، به این معنا که ارزشی ندارد، مالیت آن از بین رفته است. اگر چیزی ارزش مبادله‌ای خود را از دست بدهد و مالیت نداشته باشد، از آن تعبیر به تلف حکمی می‌کنیم. پس خود انقسام تلف به تلف حقیقی و تلف حکمی، مؤید تفاوت و تمایز بین مال و مالیت است. معمولاً تلف حقیقی را در جایی به کار می‌برند که مال از بین برود، تلف حکمی را در جایی به کار می‌برند که مالیت از بین برود؛ این خودش بهترین مؤید و شاهد بر تفاوت بین مال و مالیت است.

#### **بررسی مال بودن پول**

تا اینجا اجمالاً معنای مال را دانستیم و ویژگی‌های مال را بیان کردیم، مالیت را اجمالاً توضیح دادیم و تفاوت آن را با مال بیان کردیم. پس مال عبارت است از شیء مورد رغبت عقلا که به ازاء آن ثمن می‌پردازند؛ مالیت هم ارزش مبادله‌ای شیء است. البته خواهیم گفت این ارزش مبادله‌ای ممکن است در نظر عده‌ای قدرت خرید باشد، در نظر عده‌ای ارزش اسمی باشد (ارزش مبادله‌ای) موضوع بحث ما هم پول است اعم از پول کاغذی یعنی اسکناس و پول تحریری یعنی چک و پول الکترونیکی؛ یک مسأله‌ای که در نوشته‌های بسیاری از فقها مخصوصاً در دهه‌های گذشته وجود دارد، این است که بحث آنها ناظر به پول کاغذی یعنی اسکناس است. اغلب ادعاها و استدلال‌ها مخصوصاً آن مقداری که در نوشته‌های برخی فقها منعکس شده مثل امام و مرحوم آقای خویی و مرحوم حاج سید ابوالحسن، مرحوم آقای بروجردی، اینها نوعاً ناظر به پول‌های کاغذی (اسکناس) است. آن موقع پول الکترونیکی نبود؛ بالاخره پول الکترونیکی هم یک نوع پول است. دقت بفرمایید که منظور ما از پول الکترونیکی، رمز ارز نیست؛ ما قبلاً هم گفتیم گاهی اشتباهاً اصطلاح پول الکترونیکی را برای رمز ارزها به کار می‌برند. پول الکترونیکی یعنی همین اعداد و ارقامی که با این کارتها و اینترنت و این چیزها جابجا می‌شود؛ این اعداد و ارقامی که روی صفحات موبایل و اینترنت و کامپیوتر منعکس می‌شود، پول است و شما اینها را جابجا می‌کنید؛ اینها را می‌دهید و یک چیز در مقابل آن می‌گیرید. الان پول کاغذی هم کم‌کم دارد منسوخ می‌شود. عمده نوشته‌جات ناظر به پول کاغذی و اسکناس است؛ ما وقتی می‌خواهیم پول را تحلیل کنیم که آیا پول مال است یا سند مال، شامل همه انواع پول است. عمدتاً این دو ادعا اینجا وجود دارد. یک عده زیادی یا اغلب می‌گویند پول، مال است، علی‌رغم اختلافی که بین خود همین جماعت وجود دارد.

عده‌ای معتقدند پول سند مال است؛ ما باید اولاً ببینیم پول مال است یا سند مال، مثل مرحوم آقای بهشتی و مرحوم شهید مطهری و برخی دیگر معتقدند پول سند مال است. اولاً ما باید این ادعا را بررسی کنیم که پول مال هست یا نیست؛ بعد اگر اثبات کردیم مال است، باید نظریه سند بودن پول را رد کنیم. آنگاه برویم سراغ اینکه این مالیت از نوع حقیقی است یا اعتباری.

اما ادعای اول که پول مال است، (این ادعای ایجابی را می‌خواهیم اثبات کنیم) از دو زاویه قابل اثبات است: یکی از زاویه ویژگی‌های مال که برشمردیم، دیگری از جهت کارکردهای پول. ما از این دو زاویه می‌توانیم اثبات کنیم که پول، مال است؛ این پول هم اعم است از پول کاغذی و پول تحریری و پول الکترونیکی.

#### ۱. از زاویه تطبیق ویژگی‌های مال بر پول

ما دو ویژگی برای مال گفتیم: ۱. مورد رغبت عقلاست؛ ۲. عقلاً حاضرند به ازاء آن ثمن و عوض بپردازند. این دو ویژگی در انواع پول وجود دارد.

اولاً: پول مورد رغبت عقلاست و یک چیزی است که عقلاً به آن رغبت دارند. پول کاغذی و این اسکناس‌ها یا چک و پول تحریری یا پول الکترونیکی، مورد رغبت عقلاست؛ چون کمیابی نسبی دارد، برای آنها منفعت دارد، با آن نیازهایشان را برطرف می‌کنند؛ همه این ویژگی‌ها در پول مشاهده می‌شود.

ثانیاً: به علاوه، عقلاً حاضرند در برابر آن عوض و ثمن بدهند؛ یعنی کسی که این پول را می‌گیرد در مقابل آن عوض می‌دهد، حالا این عوض ممکن است یک متاع باشد اعم از خوردنی، پوشیدنی، مسکن، هر چیزی؛ یعنی عقلاً در برابر این حاضرند عوض بپردازند و ثمن بدهند؛ و در این جهت هم فرقی بین اسکناس و پول تحریری و پول الکترونیکی وجود ندارد. این دو ویژگی کاملاً بر پول منطبق است؛ چیزی که این دو ویژگی را داشته باشد، مال محسوب می‌شود؛ پس پول، مال است. اینکه بعضی‌ها می‌گویند سند مال است، ادعای اینها را بعداً بررسی می‌کنیم و نظر آنها را ابطال خواهیم کرد که این پول‌ها سند مال نیست بلکه خودش مال محسوب می‌شود.

#### ۲. از زاویه کارکردهای پول

زاویه دیگری که می‌تواند متمم یا مکمل این ادعا باشد، کارکردهای پول است. البته همین مقدار برای ما کافی است؛ همین که این دو ویژگی را در پول می‌بینیم، می‌توانیم آن را مال بدانیم. اما از طرف دیگر هم ما سه کارکرد برای پول ذکر کردیم؛ یکی اینکه پول معیار سنجش ارزش است، پول چیزی است که با آن ارزش‌های اشیاء را می‌سنجند و دارای ارزش مبادله‌ای است. دیگر اینکه وسیله ذخیره ارزش است. کارکرد سوم واسطه مبادله بودن است. گفتیم پول این سه کار را انجام می‌دهد؛ واسطه در مبادله است، وسیله سنجش و معیار ارزش است، ذخیره ارزش است. اینها کارکردهای پول است. ارزش مبادله‌ای هم اعم از اعتباری و حقیقی است؛ یک وقت ممکن است این ارزش مبادله‌ای اعتباری باشد و یک وقت حقیقی باشد. به عبارت دیگر مالیت یک وقت اعتباری است و یک وقت حقیقی.

پس پول به اعتبار واجدیت ارزش مبادله‌ای دارای مالیت است؛ یعنی پول مالی است که دارای چنین ارزشی است. به اعتبار اینکه این ارزش مبادله‌ای را می‌تواند با چیزی جابجا کند و عوض کند؛ می‌تواند به اعتبار این ارزش، یک چیزی را در مقابل دریافت کند؛ این مالیت این امکان را به آن می‌دهد. می‌تواند این ارزش مبادله‌ای را ذخیره کند. آن وقت سؤال این است که

چیزی که دارای این ویژگی هاست، آیا می تواند مال نباشد؟ شما یک چیزی را در نظر بگیرید که این سه کار را انجام می دهد اما بگوییم این مال نیست، اصلاً این قابل تفکیک نیست. چیزی که این سه کارکرد را دارد، یعنی مالیت دارد؛ و چیزی که مالیت دارد، حتماً مال است. اصل ادعا با همین ثابت می شود؛ نمی تواند چیزی به نام پول که این سه کارکرد را دارد، از مالیت جدا شود. اصلاً این کارکردهای سه گانه مترادف با مالیت یک شیء است؛ چیزی که ارزش مبادله ای دارد، حتماً مالیت دارد؛ چیزی که ارزش مبادله ای را ذخیره می کند، حتماً مالیت دارد؛ چیزی که واسطه در مبادله و وسیله مبادله است، حتماً مالیت دارد. چون اگر مالیت نداشت، ذخیره آن معنا پیدا نمی کرد؛ اگر مالیت نداشت، واسطه در مبادله نبود؛ اگر مالیت نداشت، معیار سنجش ارزش واقع نمی شد. آن وقت چطور می توانیم یک چیزی را که دارای این کارکردهای سه گانه است مال ندانیم؟

### نتیجه

پس ما می توانیم از دو راه مالیت پول را اثبات کنیم:

یک طریق و راه برای اثبات مال بودن همه انواع پول، انطباق ویژگی های مال بر آن است. یعنی ما وقتی آن دو ویژگی را برای مال ذکر می کنیم، می توانیم بگوییم پول یک مصداق از مال است؛ یکی اینکه نزد عقلا مرغوب است و عقلاً به آن رغبت دارند؛ دوم اینکه حاضرند به ازاء آن ثمن و عوض بدهند. این دو ویژگی عیناً در همه اقسام پول هست.

سؤال:

استاد: ثمن لزوماً پول نیست؛ ثمن یعنی عوض. فرض کنید یک چیزی را بدهید و در مقابل یک چیز، اصلاً پول هم نباشد. این ثمن لزوماً پول نیست؛ الان بله، غالباً در معاملات ثمن شده پول؛ اما فرضاً یک زمین را با آپارتمان معاوضه کنید و پول هم نگیرید، بالاخره یکی ثمن است و دیگری مثن.

اما طریق دوم ملاحظه کارکردهای سه گانه پول است، که این کارکردهای سه گانه از مالیت قابل انفکاک نیست و چیزی که دارای این کارکردها باشد، حتماً مالیت دارد؛ چیزی که مالیت داشته باشد، حتماً مال است. نمی شود چیزی مالیت داشته باشد ولی مال نباشد؛ نمی شود چیزی وسیله ذخیره ارزش باشد ولی مال نباشد؛ نمی شود چیزی آن دو کارکرد را داشته باشد ولی مال نباشد.

پس ما با این دو طریق اثبات کردیم که پول، مال است. این همان جنبه ایجابی ادعاست که پول، مال است. اما ادعای ما یک بُعد سلبی هم دارد و آن اینکه پول سند نیست؛ اینکه سند نیست، سند چه چیزی نیست؟ این خودش دو جزء دارد: یک جزء این است که پول سند دین نیست چنانچه بعضی آن را سند دین می دانند؛ بعضی آن را سند تعهد. ما دو نوع سند داریم: یک وقت می گوییم این سند بدهی و سند دین است، یک وقت می گوییم این سند تعهد است؛ این دو با هم فرق دارد. اینکه اینها دو دیدگاه است یا مربوط به دو دوره تاریخی است، یعنی در یک دوره ای این پول های کاغذی سند دین بودند و بعد سند تعهد شدند، این مطلبی است که ما باید این دو را بررسی و فرق آنها را بیان کنیم و به تبع آن، اصل نظریه سند بودن پول را ابطال کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»